

مجمع عمومی سندیکا و مساله ی سه جانبه گرایی

اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

خسرو مجتهدزاده

دوم مرداد ماه هشتاد و شش

سفر منصور اسالو برای شرکت در اجلاس آی.تی.یوسی و آی.ال.او و دستگیری وی، نزدیک شدن به برگزاری دومین مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد و وارد آمدن انتقادات جدی بر عملکرد سندیکا در چند وقت اخیر از سوی جریانات و چهره های مختلف کارگری لزوم نگاهی به عملکرد سندیکای شرکت واحد از آغاز تا امروز را بر ما گوشزد می کند.

هیئت موسس و بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد با همیاری هیئت موسسان سندیکاهای کارگری از اوایل دهه ی ۸۰ فعالیت های خود را در قالب ارائه ی آموزش های سندیکایی و اتحاد بین کارگران اتوبوسرانی آغاز کرد. فعالیت های سندیکا که به مذاق سرمایه داران و خانه کارگری ها خوش نیامده بود موجب شد تا در ۱۹ اردیبهشت ۸۴ دسته ایی ۲۰۰، ۳۰۰ نفری از خانه کارگری ها با یورش به دفتر هیئت موسس به ضرب و شتم کارگران پرداخته و صورت و زبان اسالو را با چاقو ببرند. این حادثه موجب شد تا نام سندیکای کارگران شرکت واحد در جامعه تا حدود زیادی بر سر زبان ها بیفتد. این حادثه خللی در اقدامات سندیکا وارد نکرد به طوری که در ۱۶ تیر همان سال تعداد کثیری از کارگران شرکت واحد در اعتراض به اخراج و تعلیق ۱۵ نفر از همکاران خود و تعدادی خواسته های صنفی دیگر چراغ های اتوبوس های خود را در طول روز روشن کردند. در نتیجه ی این حرکت نام سندیکا برای اولین بار در صدا و سیما نیز مطرح شد. در ادامه ی این حرکت بود که اکثریت رانندگان شرکت واحد در اعتراض به برآورده نشدن خواسته هایشان طی دو نوبت در روزهای چهارم دی و هشتم بهمن ۸۴ دست به اعتصاب زدند. این حرکت، گذشتن از بسیاری از خط قرمزهای حاکمیت بود. بعد از سرکوب گسترده ی فعالین کارگری در دهه ی ۶۰ چنین اعتصاب سازمان یافته و تاثیرگذاری از سوی کارگران رخ نداده بود. اعتصاب رانندگان به کلی سیستم حمل و نقل عمومی در شهر تهران را مختل کرد و بعد از سال ها قدرت همبستگی طبقاتی را به جامعه یادآوری کرد. مرحله ی دوم اعتصاب در هشتم بهمن ماه که در اعتراض به ادامه ی بازداشت رئیس هیئت مدیره ی سندیکا صورت گرفت با سرکوبی همه جانبه روبرو شد. صدها نفر از کارگران دستگیر شدند و شبانه به منزل فعالین سندیکایی هجوم برده شد و کلیه ی اعضای خانواده بازداشت شدند. این سرکوب همه جانبه و اکنش شدید سازمان های کارگری در جهان را در پی داشت و در نتیجه ی آن در بسیاری از کشورهای جهان تظاهراتی از سوی "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد" و "فدراسیون اتحادیه های جهانی" در همبستگی با کارگران شرکت واحد ترتیب داده شد. اکثریت بازداشت شدگان بر اثر فشارهای داخلی و خارجی آزاد شدند اما منصور اسالو هفت ماه و نیم

را در بازداشت به سر برد و سر انجام در مرداد سال ۸۵ از زندان آزاد شد. اما سرکوب کارگران معترض فقط با بازداشت ایشان و خانواده هایشان پایان نگرفت. ۵۴ نفر از کارگران شرکت واحد به دلیل اعتصابات سال ۸۴ حکم تعلیق از کار گرفتند و در ادامه سعی شد با تشکیل جلسات بی پایان برای صدور حکم اخراج یا بازگشت به کار کارگران در ادارات روابط کار، قدرت سندیکا تحلیل برده شود. در حالی که بیش از ۳ ماه از آزادی اسالو نگذشته بود، نیرو های عملیات ویژه ی بازداشت گاه ۲۰۹، وی را در حالی که قصد مراجعه به اداره ی کار را داشت دستگیر کردند. این بازداشت نیز ۱ ماه به طول انجامید. سرانجام دادگاه اسالو در تاریخ ۸۵/۱۲/۵ برگزار شد و وی به ۵ سال زندان محکوم گردید.

مبارزات کارگران شرکت واحد موجب گردید تا نام سندیکا به عنوان یک تشکل مستقل کارگری در سازمان های بین المللی کارگری مطرح شود و در نتیجه ی آن بود که رئیس هیئت مدیره ی سندیکا، منصور اسالو، به دعوت فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به منظور شرکت در چند کنفرانس بین المللی در خرداد ۸۶ به اروپا سفر کرد. در حالی که کمتر از ۳ هفته از بازگشت اسالو به تهران می گذشت بار دیگر مامورین لباس شخصی وی را در ملاء عام بازداشت کردند و تا زمان نگارش این مقاله اسالو همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین در بازداشت به سر می برد.

در چند وقت اخیر انتقاداتی بر سندیکا وارد شده که به نظر نگارنده علت آن ها را باید در از بین رفتن ارتباط بین بدنه ی کارگران با سندیکا و در پیش گرفتن خط سه جانبه گرایی توسط هیئت مدیره جست و جو کرد. البته شایسته نیست که در اینجا به انتقادات نه چندان جدی ای از قبیل این که چرا فلان شخص مترجم آقای اسالو بوده بپردازیم.

بعد از سرکوب کم سابقه ی سندیکا توسط عمال سرمایه داری و دستگیری های پیاپی بعد از اعتصابات، کم کم ارتباط بین کارگران با سندیکا به دلیل افزایش فضای سرکوب گسسته شد. این مسئله معنایی جز برداشته شدن فشار بدنه ی کارگری بر هیئت مدیره را نداشت. هر سازمان کارگری در صورتی می تواند واقعا در راستای منافع کارگران قدم بردارد که نیرو ی محرکه ی عظیم کارگران را در پشت سر خود داشته باشد. خواست توده ی کارگران برای ایجاد تغییرات بازگشت ناپذیر است که می تواند سندیکا یا اتحادیه ی مربوطه را از افتادن به دام عملکرد های سازشکارانه مصون نگاه دارد و سرمایه داری حاکم نیز با آگاهی از این مسئله در طول دو سال گذشته تمامی سعی خود را برای قطع ارتباط بین کارگران و سندیکای شرکت واحد به کار بسته است. باید اذعان داشت که در این کار تا حدود زیادی نیز موفق بوده و باید بپذیریم که در حال حاضر سندیکا تبدیل به یک مجموعه از "فعالین کارگری" شده که اکثر انرژی خود را به ناچار صرف دفاع از حقوق کارگران اخراجی و تعلیقی در ادارات کار و صدور بیانیه می کند.

پیگیری خط سه جانبه گرایی در سندیکا را نیز باید در همین قطع ارتباط بین کارگران و

سندیکا پیدا کرد. در حال حاضر تاکید فراوان سندیکا بر سه جانبه گرایی را شاهد هستیم. در شرایط کنونی نیز ظاهرا سه جانبه گرایی رعایت می شود اما تاکید سندیکا بر این است که به جای خانه کارگری ها نماینده ی واقعی کارگران در شورای تعیین دستمزد حضور داشته باشد. اما آیا واقعا حضور نماینده ی واقعی کارگران می تواند تاثیری بر وضعیت آن ها داشته باشد؟ این حضور به هیچ وجه توازن قوا را به نفع کارگران بر هم نمی زند. کیست که نداند دولت با تمام قوا منافع سرمایه داران را نمایندگی می کند؟ ضمن این که فراموش نکنیم سرمایه داران با کمک همین دولت حداقل حقوق ۱۸۳ هزار تومانی را هم به کارگر پرداخت نمی کنند و کارگری که این واقعیت را می بیند

چگونه می تواند به سراب سه جانبه گرایی دل خوش کند؟ آیا پی گرفتن خط سه جانبه گرایی ریشه در برداشت اشتباه از نقش دولت در جوامع سرمایه داری ندارد؟

تنها راه کمک به سندیکا برای برون رفت از موقعیت کنونی در برقراری ارتباط دوباره ی بدنه ی کارگران با سندیکا است. با این وجود در حالی که فضای سرکوب تشدید می شود باید از این عملکرد هیئت مدیره برای برگزاری مجمع عمومی دوم استقبال کرد. این حرکت با وجود تمامی انتقادات وارده نشان می دهد که هیئت مدیره خواهان برقراری ارتباط مجدد با بدنه ی کارگران است، از تبدیل شدن به یک جمع در خود به شدت پرهیز می کند و به این نکته به خوبی واقف است که ادامه ی حیات سندیکا در گرو اتحاد مجدد تمامی کارگران در قالب سندیکا است.

کارگران شرکت واحد اگر می خواهند که سندیکا نیروی خود را با چانه زنی های بی پایان و کوبیدن بیهوده بر طبل سه جانبه گرایی تلف نکند، راهی جز شرکت گسترده در مجمع عمومی برای پیش برد خواست های رادیکال خود ندارند.

خسرو مجتهدزاده

اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

نوشته شده در سه شنبه دوم مرداد ۱۳۸۶ ساعت ۷:۴۴ توسط کارگر |